

تکبرگی راه کارگر

شماره ۱۱۶

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۲۰۰۱۴۰۴۰۰

سردبیر: ارژنگ بامشاد

روزنامه سیاسی هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کدام رفتارندم؟ درنگی کوتاه بر اول مه امسال

سهراب یکتا

پایانی آن است. در مورد نکته اول، لازم به یادآوری است که در راه پیمائی سال قبل، که در همین روز و از طرف خانه کارگر برگزار شده بود، هزاران کارگر در آن شرکت کرده و آن را به بیان خشم و اعتراض شدید خود علیه مصوبه مجلس داتر بر حذف کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار، تبدیل کرده بودند. اما شمار کم شرکت‌کنندگان در مراسم امسال خانه کارگر، حاکی از تحریم گسترده‌ی آن از سوی کارگران بود، در مورد نکته دوم نیز لازم به توضیح است که در قطع‌نامه‌ی امسال خانه کارگر، در کنار طرح برخی از خواست‌های کارگران هم چون لغو قراردادهای موقت کار، اجرای پیمان‌های دسته جمعی و آزادی اعتصاب، خواست ارتجاعی و فاشیستی اخراج کارگران خارجی از محیط‌های کار در ایران آورده شده بود. در این مورد اخیر جلوتر توضیح خواهم داد. اما در باره‌ی طرح برخی از خواسته‌های کارگران در قطع‌نامه، گفتنی است که این کار اساساً با هدف انکار اصلی‌ترین نیاز طبقه کارگر ایران در لحظه‌ی حاضر، یعنی برخورداری از تشکل مستقل و سراسری، صورت گرفته است. سردمداران خانه کارگر می‌کوشند با جا زدن خود به عنوان نهاد مدافع حقوق کارگران، هرگونه تلاش در راستای برپایی تشکل‌های مستقل را سرکوب کنند. اما، اگر کارگران در تهران نتوانستند

بقیه در صفحه ۳

پیش‌روی زنان و ترس

اصلاح طلبان

شعله ایرانی

در صفحه ۲

گزارشات برگزاری

مراسم اول ماه در

کشورهای گوناگون

در صفحه ۴

سارامحمود

تلاش اصلاح طلبان برای آن که انتخابات ۸۰ را رفتارندم جا بزنند، به خودی خود نشان دهنده آن است که مردم به انتخابات ریاست جمهوری در چهارچوب جمهوری اسلامی بارو ندارند و آن را منشاء اثری در شرایط سیاسی کشور نمی‌دانند، بنابراین برای کشاندن مردم به پای صندوق رأی در این انتخابات باید آن را به نام خودش ننماید بلکه چیزی جا زد که مردم آن را می‌خواهند؛ یعنی رفتارندم.

چرا رفتارندم دارد به تدریج به شعار عمومی و مطلوب برای مردم تبدیل می‌شود؟ اولاً- به دلیل این که پروژه اصلاح طلبی که پس از انتخابات دوم خرداد صحنه سیاست در ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود، پروژه‌ای شکست خورده است. دوماً- به دلیل آن که مردم نه تنها از خانمی و اصلاح طلبان عبور کرده‌اند، بلکه قاطعانه نشان داده‌اند جمهوری دینی نمی‌خواهند. مردم برای رهائی از جمهوری دینی نمی‌توانند به پروژه شکست خورده بازگردند، باید جلو بروند. طرح رفتارندم نخستین گام در این راه است. به عبارت دیگر آن رفتارندم که دارد به تدریج جای خود را در میان مردم باز می‌کند، هم پروژه اصلاح طلبان حکومتی را پشت سر گذاشته است و هم تمکین به قانون اساسی جمهوری اسلامی و کلاً حکومت دینی را. تلاش اصلاح طلبان آن است که در هر دو حوزه مردم را به عقب باز گردانند و با این کار هم منافع خودویژه جناحی را تقییب می‌کنند و هم منافع کل جمهوری اسلامی را.

در رابطه با منافع خودویژه باید یادآوری کرد، اصلاح طلبان اکنون نه تنها موفقیت سیاسی، بلکه حتی امنیت آتی خود را در خطر می‌بینند. تلاش برای کشاندن مردم به پای صندوق آراء- که عمدتاً آرای آن‌ها را بالا می‌برد- تدبیری است در زمینه این نگرانی‌ها. آن‌ها خوب می‌دانند به مدد آرای مردم در دوم خرداد بود که نتوانستند روی سکوی بپرند که محافظه کاران جای پای خود را روی آن سفت کرده بودند. اگر حریف در همان آغاز آن‌ها را زیرپای خود له نکرده، از ترس مردم بود. مردم برای ضربه زدن به ولایت فقیه با آن‌ها همسو شده بودند و این هم‌سوئی به آن‌ها نیرو داده بود. این هم‌سوئی نمی‌توانست پایدار بماند، در درجه اول به دلیل اهداف و جهت‌گیری متفاوت مردم و اصلاح طلبان. اصلاح طلبان خودشان به ناگزیر- این هم‌سوئی را شکستند و با ایستادن در مقابل مردم وزنه خود را نیز از دست دادند و با دست‌های بسته به گروگان جناح مقابل

بقیه در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱ کدام فرزندم؟

تبدیل شدند. اما گروهان‌ها همیشه در معرض آسیبند و سرنوشت آنها را اراده و منافع کسانی تعیین می‌کند که افسارشان را در دست دارند. حالا جناح حاکم است که شرایط بازی را برای آن‌ها تعیین می‌کند. در همین انتخابات نه تنها آن را از حالت دوقطبی خارج کرده‌اند، بلکه جناح حاکم آشکارا استراتژی انتخاباتی جناح مقابل را تعیین کرده و آن‌ها را بازی می‌دهد. آن‌ها حق ارائه هیچ طرح مستقل را نداشتند، خاتمی با چراغ سبزی که آن‌ها نشان دادند، نامزدی خود را اعلام کرد. به همین ترتیب سرانجام اقدامات آن‌ها نیز منوط به تصمیمات جناح حاکم است. این آن‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند، قوه مجریه را در دست اصلاح‌طلبان باقی بگذارند، یا به سرنوشت سیاسی آن‌ها در یک بازی انتخاباتی یا بازی قانونی خاتمه دهند. همین امر در مورد امنیت شخصی آن‌ها نیز صادق است. جناح حاکم بسته به منافع خود در روند حوادث تصمیم خواهد گرفت که آن‌ها را در پناه خود بگیرد یا قربانی کند.

بنابراین اصلاح‌طلبان می‌کوشند با جلب حمایت مردم، جناح حاکم را وادار کنند در برخورد با اصلاح‌طلبان ملاحظه مردم را داشته باشد، به عبارت دیگر جلب مردم به صندوق آراء به آن‌ها چیزهای زیادی می‌دهد، اما حمایت از اصلاح‌طلبان در این انتخابات چه چیزی به مردم می‌دهد؟ شعار قانون _ که در انتخابات قبلی وسیله‌ای بود برای گسترش مبارزه مردم- حالا اسلحه جناح حاکم است؛ در رابطه با "گسترش حقوق مردم" و مبارزه با "اقتدارگرایی دینی" و "انحصارگرایی" که شعار اصلاح‌طلبان در انتخابات قبلی بود، بهتر است به اعتراف مستقیم مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه انتخاباتی آن مراجعه کنیم: «تقاضای اجتماعی برای اعمال قاطعیت و ایستادگی در برابر زیاده‌طلبی‌های جناح راست، فشارهای بسیار زیاد بر اصلاح‌طلبان و شاخص‌ترین نماد جنبش اصلاحات در درون حاکمیت (آقای خاتمی) وارد می‌آورد. علی‌رغم آن که اصلاح‌طلبان دائماً می‌کوشند این تقاضا را تعدیل کرده و از شدت آن بکاهند، عمل کرد مخالفان اصلاحات به حادتر شدن این تقاضاها دامن می‌زند». (از بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در ۱۷ اردیبهشت ۸۰ تحت عنوان چرا فرزندم؟)

پس نقش اصلاح‌طلبان نه گسترش مبارزه مردم برای دفاع از حقوق خود و ایستادگی در برابر نظام جباریت، بلکه تعدیل آن است. بنابراین جلب مردم به صندوق آراء به اصلاح‌طلبان همه‌ی چیزهایی را که می‌خواهند می‌دهد، اما به مردم هیچ چیز نمی‌دهد. اما در رابطه با منافع کل رژیم، روشن است که به عقب کشیدن مردم، "تعدیل" مطالبات آن‌ها، تبدیل شعار فرزندم برای رهایی از نظام اقتدار دینی به شعار فرزندم برای تحمل اصلاح‌طلبان حکومتی در چارچوب نظام اقتدار دینی در خدمت منافع نظام است. و با توجه به همین خدمت است که جناح حاکم حالا مردد است که قوه مجریه را در دست اصلاح‌طلبان باقی بگذارد یا با آن‌ها تعیین تکلیف کند. حقیقت این است که انتخابات‌ها در چهارچوب این رژیم حتی نمایشی و فرمایشی هم نیستند، چون هر صورتی که به خود بگیرند؛ مردم در آن شرکت کنند یا آن را

رشد زنان و ترس اصلاح‌طلبان

شعله ایرانی

روی آوری نسل جدید زنان ایرانی به تحصیلات دانشگاهی یکی از پدیده‌های مثبت و حاصل رشد آگاهی فمینیستی و میل به ارتقا در حوزه‌ی زندگی اجتماعی است. افزایش بی‌سابقه‌ی تعداد دختران دانشجو طی سال‌های اخیر در کشوری که درها را به روی زنان می‌بندند و آن‌ها را در حصار حجاب و جدایی جنسی می‌خواهند، توجه جهانیان و محافل بین‌المللی زنان را به خود جلب کرده است. شگفت‌آور و مایه‌ی غرور و شادمانی است که امسال ۶۰ درصد از پذیرفته‌شدگان به دانشگاه‌ها و مدارس عالی از میان دختران هستند. این نقطه‌ی عطفی است در مسیر تلاش‌های زن ایرانی برای شکستن سدهایی که دولت و سنت بر سر راهش ساخته‌اند. از سوی دیگر این پدیده نیاز جامعه‌ی نوین ما را به نیروی متخصص، صرف نظر از جنسیت، بیان می‌کند. این پدیده تغییر بنیادین دیدگاه جامعه نسبت به تحصیل دختران و اشتغال آن‌ها را نیز به نمایش می‌گذارد. تلاش و تمایل پدران و مادرانی که علی‌رغم مخارج کمرشکن تحصیلات دانشگاهی، به دختران خود فرصت پیشرفت می‌دهند، نشان از چرخشی بزرگ در روحیه مردم علیه عادات و سنت‌های کهنه است. جامعه‌ی عرفی ایران راه درازی را در کوتاه‌زمان پیموده و این شایسته‌ی بررسی‌های بیشتری است. در گذشته عمدتاً خانواده‌های تحصیل‌کرده، آگاه و یا مرفه بودند که امکان تحصیل دختران‌شان را فراهم می‌کردند. امروز علی‌رغم پایین آوردن سن ازدواج و مشکلاتی که برای تحرک و دخالت آزادانه‌ی زنان توسط دولت دینی و قوانین اسلامی حاکم به وجود آمده، دختران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ این کشور به آموزش عالی و کسب حرفه‌های مدرن و غیر سنتی روی می‌آورند.

وقتی که بخشی از همین نسل دختران ایرانی در انتخابات دوره‌ی گذشته به خاتمی و سپس به نمایندگان جناح او در مجلس رای دادند، امیدوار بودند که مدعیان اصلاح‌طلبی دست کم از پیشرفت‌های زنان _ که تنها محصول تلاش خود زنان است و نه هیچ مرجع و قانونی _

تحریم کنند، استقبال زیاد باشد یا کم، در هر حال به طورخبره‌کننده‌ای عدم مشروعیت این رژیم را نشان می‌دهند. پس انتخابات‌ها دیگر در هر حال باری هستند بر دوش رژیمی که در جوهر چیزی جز خلافت اسلامی نیست. اما در همان حال اگر شرایط به همین صورت بماند و انتخابات تحت کنترل رژیم صورت گیرد، دیگر نقشی هم در پیش‌برد مبارزه مردم نمی‌تواند بازی کند، زیرا رژیم اعلام کرده است که به مشروعیت مردمی نیازی ندارد و اگر ۲۰ میلیون بلکه ۴۰ میلیون هم در پای صندوق رأی بروند و به این رژیم نه بگویند اقتدار خود را علی‌رغم این رأی با اتکاء به زور اعمال خواهد کرد. بنابراین مردم اکنون باید اقتدار خود را در برابر این اقتدار قرار بدهند. شعار فرزندم، اعلام اراده و قصد مردم برای انجام این کار است. طبیعی است که رژیم به میل خود برای اعلام این اراده صندوق نمی‌گذارد. تمهیدات چنین فرزندومی را باید فزاینده از قانون رژیم سازمان داد.

خوشحال و راضی باشند. اما در آستانه‌ی انتخابات جدید الهه کولایی نماینده‌ی تهران در مجلس اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، نارضایتی و وحشت خود را از پیشرفت‌های دختران اعلام می‌کند. ایرنا در نهم اردیبهشت ۸۰ از اراک گزارش می‌دهد که کولایی در جمع اعضای جبهه‌ی مشارکت استان مرکزی در رابطه با سیر صعودی روند قبولی دختران در دانشگاه‌ها چنین گفته: «اگر روند کنونی پذیرش دانشجو ادامه یابد در آینده زنان دارای مدارک تحصیلی بالا مجبور به ازدواج با مردانی فاقد تحصیلات دانشگاهی خواهند شد که این خود مشکلات فراوانی را به دنبال دارد. ... افزایش تعداد دانش‌آموخته‌گان دختر نسبت به پسران در آینده نزدیک نوعی دگرگونی در ساختار اجتماعی و جنسی نیروی کار جامعه ایجاد خواهد کرد».

کولایی طرفدار "اصلاحات" از دگرگونی در ساختار مردمدارانه‌ی نیروی کار و افزایش نقش زنان در جامعه بیم‌ناک است! کولایی که با رأی زنان، به ویژه تحصیل‌کرده‌ها، به مجلس راه یافته و وعده داده بود بیش از هر چیز از منافع و خواست‌های این رأی‌دهندگان حمایت کند، به دنبال راه چاره برای کند کردن سرعت ازدیاد دانش‌جویان دختر و به خانه‌ی شوهر فرستادن آن‌ها جهت حفظ توازن به نفع مردان است.

کولایی "اصلاح‌طلب" هشدار می‌دهد که رشد آگاهی زنان خطرناک است و باید متوقف شود. واقعا کدام اصلاح‌طلبی است که از درک این حقیقت ساده عاجز باشد که رشد زنان در عرصه‌ی زندگی اجتماعی و دسترسی آن‌ها به پست‌های کلیدی یکی از پایه‌ای‌ترین شروط آغاز هر رفرمی در جامعه‌ی امروز است. خانم کولایی که خودش از صدقه‌ی رأی مشروط زنان به تریبون ابراز این چنین نظرات ارتجاعی دست انداخته و از موقعیت خود علیه خواست زنان سواستفاده می‌کند باید فهمیده باشد که زنان ایرانی دیگر سر باز ایستادن و پشت صحنه ماندن ندارند. اگر الهه کولایی و همکارانش دچار این توهم شده‌اند که می‌توانند با توطئه و با وضع قوانین زن‌ستیزانه‌ی جدید، زنان را از کسب دانش و ورود به بازار کار بازدارند، باید بدانند که سر به دیواری می‌کوبند که میلیون‌ها زن ایرانی برای مقاومت علیه ارتجاع و ریاکاری از آغاز قرن گذشته بنا کرده‌اند. البته نگران سر به دیوار کوفتن این "اصلاح‌طلبان" زن ستیز نیستیم! مایه‌ی خشنودی هم هست! زنان این دیوار را برای همین بنا کرده‌اند! برای این که خشک مغزان و ریاکارانی که هنگام نیاز به رأی، داد دفاع از زنان سر می‌دهند و چون به خلوت می‌روند همان می‌کنند که ولی فقیه می‌کند، سر بر آن بشکنند.

ما شکی نداریم که قافله‌ی دختران جوان در جستجوی زندگی انسانی و کسب دانش و معرفت را سر باز ایستادن نیست. ۲۰ سال تلاش کردید، نتیجه‌اش را دیدید: ۶۰ درصد از پذیرفته‌شدگان به دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند!

دنباله از صفحه ۱ درنگی کوتاه بر اول مه امسال

به دلیل فضای به شدت پلیسی و قرق خیابان‌های شهر توسط نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و گاردهای ضدشورش، راه‌پیمایی و یا تجمعات مستقل خود را برگزار کنند، با این حال در پایان مراسم با سردادن شعارهای مستقل خود، نشان دادند تلاش مسئولان «خانه کارگر» برای نشان دادن حمایت کارگران از شعارهای تکرار شده از بلندگو و قطع نامه‌ی پایانی را قبول ندارند. و در اصفهان، کارگران مراسم فرمایشی خانه کارگر در سالن پیروزی این شهر را بر هم زدند. کارگران خشم‌گین، که در پیشاپیش آنان کارگران واحدهای نساجی قرار داشتند، با در دست داشتن پلاکاردهایی که از پرداخت نشدن ماه‌ها دست‌مزدشان خبر می‌داد، به تریبون سخن‌رانی حمله کرده و آن را خرد نمودند. و سپس اقدام به راه‌پیمایی به سوی استان داری شهر کردند.

در کرمانشاه نیز حدود ۱۵۰۰ نفر از کارگران با تحریم مراسم دولتی، مراسم مستقل خود را در یکی از میدان‌های این شهر بر پا نمودند. هم‌چنین در برخی از شهرهای کردستان، از سوی سندیکاهای کارگران خباز، مراسم مستقلی در بزرگداشت این روز برگزار گردید.

۴) تلاش‌های کارگران در اول مه امسال، برای گرمی داشت مستقل این روز و طرح خواست‌ها و مطالبات طبقاتی خود، و تحریم مراسم فرمایشی خانه کارگر را باید نشانه‌ای امیدبخش از افزایش آگاهی کارگران نسبت به هویت طبقاتی خود و ضرورت تشکل و صف مستقل کارگری به حساب آورد. این تلاش‌ها، به ویژه از آن رو که، در شرایطی صورت می‌گیرند که نهادهای کارگری وابسته به رژیم اسلامی در کار تجدید آرایش خویش‌اند، اهمیتی دوچندان دارند. این نهادها و در رأس آن‌ها «خانه کارگر»، در دوره اخیر کوشیده‌اند با معرفی خود به عنوان تشکل‌های تماماً صنفی، که اصلی‌ترین کارکردشان دفاع از منافع اقتصادی همه کارگران است، و هم‌سو شدن با برخی از اعتراضات کارگری و دفاع از پاره‌ای از خواست‌های آنان؛ به رسالت اصلی خود یعنی مقابله با تکوین تشکل‌های مستقل کارگری در شرایط جدید، که زمینه‌های شکل‌گیری تشکل مستقل و سراسری مساعدتر از هر زمانی است، به گونه‌ی مؤثرتری عمل کنند.

۵) همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، یکی از محورهای اصلی مراسم «خانه کارگر» در اول مه امسال، تبلیغ و تحریک علیه کارگران خارجی در ایران بوده است. تکرار خواست اخراج بیش از یک میلیون کارگر خارجی از سوی سخن‌رانان این مراسم در شهرهای مختلف و در قطع نامه‌های آن، درست در روز و به مناسبتی صورت می‌گرفت، که پیام اصلی آن، هم‌بستگی کارگران همه‌ی کشورها، سواى رنگ، نژاد، قوم، مذهب و مرام آنان در مقابل جبهه‌ی واحد بهره‌کشان است.

«خانه کارگر» هم‌چون همه‌ی تشکل‌های فاشیستی و نژادپرست در دیگر کشورهای جهان، می‌کوشد مسبب بی‌کاری و گسترش آن را وجود کارگران خارجی، معرفی کند؛ و خشم و نارضایتی کارگران از شرایط تحمل‌ناپذیر زندگی خود را، از بنیان‌های نظم موجود به سمت کارگران خارجی و مهاجر برگرداند. سردمداران «خانه کارگر» می‌گویند، کارگران خارجی علاوه بر آن‌که فرصت‌های شغلی را از کارگران ایرانی می‌ربایند، با انجام کارهای سخت‌تر و با دست‌مزدهای پائین‌تر، قدرت چانه‌زنی کارگران ایران را در بازار کار تضعیف می‌کنند. این یعنی عوام‌فریبی و شکاف‌اندازی در میان کارگران در زیر لوای دل‌سوزی نسبت به کارگران به اصطلاح خودی! آنان اگر ریگی به کفش ندارند، چرا از حقوق برابر کارگران خارجی با کارگران ایرانی دفاع نمی‌کنند تا کارفرمایان نتوانند با پرداخت دست‌مزد کم‌تر به کارگران خارجی، سطح عمومی دست‌مزد طبقه کارگر را کاهش دهند.

از حرکت اعتراضی کارگران کارخانه بارش اصفهان حمایت می‌کنیم!

روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت نیروهای انتظامی و پلیس ضدشورش به صف تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران کارخانه بارش در شهر اصفهان، با شلیک گاز اشک‌آور یورش آورده و با مجروح کردن گروهی از کارگران و دستگیری حدود ۵۰ تن از آنان، تظاهرات کنندگان را پراکنده ساختند. کارگران که تعداد آنان بیش از هزار تن بود در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در ۴ ماه گذشته، پس از تجمع در برابر کارخانه به راه‌پیمایی در خیابان‌های شهر پرداخته و قصد داشتند که در پایان این راه‌پیمایی در برابر استانداری اصفهان تحصن کنند که با یورش وحشیانه ماموران انتظامی روبرو شدند. لازم به یادآوری است که کارخانه بارش توسط بنیاد مستضعفان و جانبازان اداره می‌شود که رئیس این بنیاد بزرگ مالی نیز توسط خود خامنه‌ای منصوب شده و زیر کنترل مستقیم و انحصاری ولی فقیه قرار دارد.

حدود دو ماه قبل نیز کارگران کارخانه سیمین اصفهان در مسیر راه‌پیمایی اعتراضی خود با یورش وحشیانه ماموران انتظامی روبرو شدند و قهرمانانه در برابر نیروهای سرکوب دست به مقاومت زدند.

ما ضمن حمایت از اقدام اعتراضی کارگران کارخانه بارش، یورش نیروهای انتظامی به صفوف کارگران و دستگیری تعدادی از آنان را شدیداً محکوم و خواهان آزادی بی‌قید و شرط و فوری تمامی دستگیرشدگان هستیم.

سازمان ما ضمن حمایت از تظاهرات کارگران کارخانه بارش و اقدامات اعتراضی کارگران سایر کارخانجات اصفهان و سایر نقاط کشور که هر روزه اما پراکنده صورت می‌گیرد، کارگران را به مبارزه متحد و یک‌پارچه با کارگران سایر کارخانجات در شهر و استان خود و در سراسر ایران به منظور دستیابی به مطالبات مشترک فرا می‌خواند و ضرورت فوری سازماندهی جنبش متحد و سراسری کارگران برای پرداخت به موقع دستمزد را به عنوان یک گام مؤثر برای مقابله با فلاکت و استبداد به عموم کارگران پیشنهاد می‌کند.

شماره ۵۷۸ هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۷ آوریل ۲۰۰۱

از حرکت اعتراضی کارگران باف‌ناز و چیت ری حمایت می‌کنیم!

دو روز پس از یورش وحشیانه نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش به صفوف تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران کارخانه بارش اصفهان و دستگیری بیش از ۵۰ تن از کارگران، روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت کارگران کارخانه باف‌ناز این شهر نیز برای چندمین بار در ماه‌های اخیر دست به اعتصاب زدند. این کارگران که حقوق سه ماهه سال ۷۹ را دریافت نکرده‌اند، از وضعیت نابسامان صنایع نساجی در سطح کارخانه‌های اصفهان ابراز نارضایتی کردند. خواست‌های کارگران که بر در و دیوار کارخانه نقش بسته چنین است: تامین مواد اولیه! پرداخت حق و حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران! تامین امنیت شغلی! تمویب قانون بازنشستگی پیش از موعد و بالاخره حساب‌رسی دقیق از موسسه خیریه همدانیان که این کارخانه را در اختیار دارد و پیگرد قانونی کسانی که اموال باف‌ناز را حیف و میل کرده‌اند. هم‌زمان با اعتصاب کارگران باف‌ناز در اصفهان، در تهران نیز کارگران یک کارخانه دیگر نساجی، در کارخانه چیت‌ری، بار دیگر در ادامه اعتراضات دوره اخیرشان از محل کارخانه تا مقابل فرمانداری شهر ری دست به راه‌پیمایی زدند.

نکته جالب این است که در همان حال که کارگران باف‌ناز بر درد مشترک کارگران نساجی انگشت گذاشته و بر ضرورت حسابرسی از سرمایه مالکان و اداره کنندگان کارخانه‌های نساجی و برنامه ریزی برای تامین مواد اولیه و راه‌اندازی کارخانجات و ممانعت از بیکاری انبوهی از کارگران تاکید می‌کنند، هم‌زمان با این اعتصاب شهردار اصفهان بر اجرای سیاست تعدیل نیروی انسانی که معنایی جز بیکاری کارگران ندارد تاکید می‌کند.

اعتصاب کارگران باف‌ناز اصفهان و چیت ری تهران درست دو روز پس از سرکوب کارگران کارخانه بارش اصفهان، علامت عزم کارگران برای ادامه پیکار و اشاره کارگران باف‌ناز به مشکل عمومی صنایع نساجی علامت درک روشن کارگران از ضرورت اتحاد همه کارگران رشته نساجی برای مقابله با سیاست‌های ضدکارگری حکومت اسلامی است.

سازمان ما با حمایت از حرکت اعتراضی اخیر کارگران باف‌ناز اصفهان و چیت ری تهران، از آنان دعوت می‌کند که در راستای اتحاد مبارزاتی کارگران تمام صنایع نساجی و به موازات آن اتحاد کارگران تمام کارخانجات که در شهر و استان خود و در سراسر کشور با مشکل عمومی عدم پرداخت به‌موقع دست‌مزد و خطر بیکاری روبرو هستند متحد شوند.

شماره ۵۷۹ هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۹ مه ۲۰۰۱

گزارشات برگزاری مراسم اول ماه در کشورهای گوناگون

اول ماه مه در پاریس

نیروهای چپ و دمکرات مقیم پاریس امسال نیز با تشکیل کمیته ایرانی برگزاری اول ماه مه، خود را برای شرکت در راهپیمایی بزرگ این روز آماده کردند. در روز راهپیمایی حدود ۱۵۰ نفر از ایرانیان آزادی‌خواه از تمامی طیف‌های سیاسی، با حمل پلاکارها و با سردادن شعارهای زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم! سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! پیروز باد همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان! و شعارهایی به طرفداری از آزادی، دمکراسی، حکومت لائیک، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران، آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگاران دربند، حق تعیین سرنوشت خلقها... در تمام طول مسیر از میدان جمهوری تا میدان ملت به افشاکاری علیه جمهوری اسلامی ایران پرداختند. و در پایان راهپیمایی سرود انترناسیونال خوانده شد.

بزرگترین و طولانی‌ترین مسیر راهپیمایان امسال توسط دو سندی‌کای بزرگ فرانسه س-ژ-ت و س-ا-ف-د-ت سازماندهی شده بود که بیش از ۳۰ هزار نفر در آن شرکت کردند، راهپیمایان از میدان جمهوری تا میدان ملت در تمام طول مسیر با حمل پلاکار و پخش تراکت و اعلامیه و سردادن شعار خواسته‌های خود را اعلام می‌کردند. در تمام طول مسیر موزیک ملیت‌های گوناگون شرکت‌کننده در راهپیمایی پخش می‌شد. و در آخر هر ملیتی بزبان خودش سرود انترناسیونال را خواند. کمیته ایرانی برگزاری راهپیمایی اول ماه مه نیز از جمله راهپیمایان این مسیر بود.

اول ماه مه در سیدنی استرالیا

برگزاری مراسم اول ماه مه در سیدنی استرالیا با شرکت عده کثیری از ایرانیان مقیم این شهر برگزار شد. مراسم ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان کارگر و همه کسانی که برای آرمان‌های کارگران و زحمت‌کشان جان خود را از دست داده‌اند، آغاز شد. سپس سرود انترناسیونال به زبان‌های فارسی، انگلیسی و کردی توسط شرکت‌کنندگان قرائت شد و پس از آن برنامه با سرود و دکلمه شعر به زبان‌های فارسی و کردی ادامه یافت. در بخش دوم مراسم نیز موسیقی زنده فارسی، عربی و کردی تقدیم شرکت‌کنندگان در مراسم شد. برنامه تا پاسی از شب با رقص و پایکوبی ادامه یافت.

اول ماه مه در ونکوور (کانادا)

در کانادا هم چون آمریکا و برخی دیگر از کشورها، اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر و روز تعطیل از سوی دولت به رسمیت شناخته نمی‌شود، با این همه هر ساله نیروهای چپ و شماری از اتحادیه‌های کارگری در اولین شنبه نزدیک به اول ماه اقدام به برپایی جشن و راه‌پیمایی می‌کنند. امسال اما تحت تاثیر کارزار ضدگلوبالیزاسیون عظیم علیه قرارداد تجارت آزاد ۳۴ کشور قاره آمریکا در شهر کبک، تصمیم گرفته شد که تظاهرات اول ماه مه ونکوور در خود روز کاری سه شنبه صورت گیرد، ولی عمده جشن‌ها در تعطیلات آخر هفته برگزار گردند. در روز سه شنبه رفقای سازمان ما فعلا نه در تظاهرات شرکت نمودند و بعلاوه در یکی از جشن‌ها که در روز ۴ ماه مه بر پا شد حضور یافتند. کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی - واحد ونکوور ده روز پیش از مراسم با صدور اعلامیه‌ای که در نشریات «پیوند» و «شهروند» منعکس گردید از عموم ایرانیان ترقی‌خواه دعوت کرده بودند که فعلا نه در راهپیمایی و جشن‌های روز کارگر شرکت کنند.

هم‌چنین رفقای ما به همراه جمعی از فعالین چپ و کارگری ایرانی، مشترکاً میزگردی را با هدف بحث پیرامون مسایل کارگری بر پا نمودند که در آن چهار نفر از فعالین جنبش به ایراد سخن پرداختند که پس از آن حضار به نقد و بررسی بحث‌های طرح شده همت گماردند. این نشست در روز شنبه ۵ مه برگزار گردید.

(واحد ونکوور) - ۶ مه ۲۰۰۱

جشن اول ماه مه در هانوفر-آلمان

به دنبال فراخوان «کمیته برگزارکننده مراسم اول ماه مه-هانوفر» متشکل از چندین سازمان، گروه، تشکل مستقل، از جمله واحد هانوفر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مراسمی به مناسبت اول ماه در کارگاه سیاسی-فرهنگی واقع در Gartenhaus برگزار گردید. حضور گسترده‌ی ایرانیان مقیم این شهر در جشن اول ماه مه امسال که به صدها تن بالغ می‌گردید، حال و هوای خاصی به مراسم داده بود. در ابتدا پیام کمیته برگزارکننده قرائت گردید، سپس یک گروه موسیقی اصیل ایرانی به اجرا، برنامه پرداخت که با استقبال گسترده‌ی شرکت‌کنندگان روبرو شد. سخن‌رانی آقای حمیدنوشادی در مورد وضعیت کنونی جنبش کارگری ایران، قسمت بعدی برنامه بود. سپس زن هنرمند فرانسوی با اجرای ترانه سروده‌های ایرانی، ترکی، یونانی، ارمنی، اسپانیایی و فرانسوی، جلوه‌ای از همبستگی انترناسیونالیستی را به نمایش گذاشت. در ادامه برنامه، پیام بخشی از تشکل مستقل دمکراتیک زنان ایرانی-هانوفر توسط یکی از اعضای این تشکل خوانده شد. اعلامیه‌ها و متون انتشاراتی سازمان‌ها و گروه‌ها نیز در مراسم به چشم می‌خورد. رقص و پای‌کوبی به همراه آهنگ‌های شاد ایرانی پایان بخش مراسم بود.

مراسم اول ماه مه در فرانکفورت

به مناسبت روز جهانی کارگر-اول ماه مه- بخشی از فعالین جنبش کارگری و نیروهای چپ رادیکال شهر فرانکفورت تحت پوشش «کمیته برگزاری اول ماه مه»، از همه ایرانیان مبارز دعوت کردند تا در مارش عمومی کارگران و زحمت‌کشان علیه سرمایه‌داری شرکت کنند. اما امسال تظاهرات اعتراضی کارگران و زحمت‌کشان در شهر فرانکفورت مصادف شد با پذیرش اجازه راه‌پیمایی به نئونازی‌ها و فاشیست‌ها آلمانی، که درصد بودند در روز جهانی کارگر با مارش بطرف مرکز شهر، احساسات نژادپرستانه و وحشیانه خود را در شهری نظیر فرانکفورت که حدود یک سوم جمعیت آن خارجی هستند، به نمایش بگذارند. لذا نیروهای چپ، دمکرات و ضدفاشیست آلمانی، خارجی و ایرانی ضمن شرکت در راه‌پیمایی‌های عمومی، نیروی پیشرو و مبارز خود را به منطقه راه‌پیمایی فاشیست‌ها گسیل کردند و با به محاصره درآوردن منطقه راه‌پیمایی فاشیست‌ها، برنامه تدارکاتی وسیع آن‌ها را مختل کردند. فاشیست‌ها که از حمایت عمومی پلیس برخوردار بودند، در نتیجه نتوانسته نیروی وسیعی را تدارک ببینند و حداکثر به ۹۰۰ نفر رسیدند. در این حرکت اعتراضی چندبار بین تظاهرکنندگان چپ و پلیس و فاشیست‌ها درگیری روی داد که تعدادی زخمی و بیش از صد نفر از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شدند. اکثر نیروهای شرکت‌کننده در کمیته برگزاری اول ماه مه در حرکت کارگری و ضدفاشیستی فوق دخالت داشتند.

همین‌طور به مناسبت اول ماه جشنی توسط کمیته همبستگی جشن اول ماه مه با شرکت تعدادی از دوستداران جنبش کارگری در شب یازده اردیبهشت برگزار شد. در این مراسم نیز رفقا مانوئل اسماعیلی و بهزاد میرزائی سخنرانی کردند. رفقای واحد فرانکفورت سازمان ما در همه‌ی حرکت‌های انجام گرفته‌ی بالا از جمله سازمان‌دهندگان و شرکت‌کنندگان بودند.

میزگرد و بحث آزاد

شاخه آلمان کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی متشکل از حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برای گسترش دیالوگ و مباحثه در اپوزیسیون چپ و دموکرات ایرانی میزگردی را حول تم زیر برگزار می‌کند:

اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما

شرکت‌کنندگان:

عبدالرضا کریمی از حزب دموکرات کردستان ایران

یدی از سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

مجید زربخش از شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

فریدون احمدی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اردشیر مهرداد از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پرویز نویدی از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

زمان: ساعت ۱۷-۲۰ شنبه ۱۲ ماه می

مکان: **ESG** شهر فرانکفورت **FrankFurt / M**

Lessing str. 2 - 4 Westend. ایستگاه **U6** و **U7**

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی-کمیته آلمان